

آمریکا و پرونده هسته‌ای ایران

دکتر حبیب‌اله ابوالحسن شیرازی

دانشیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه علوم سیاسی

غفار زارعی

دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی واحد تهران مرکزی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۴/۲۵

چکیده

ایالات متحده با اعمال فشارها و تهدیدها و تحریم‌ها سعی می‌نماید از دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای ممانعت به عمل آورد و با بررسی و ارزیابی نمودن تمام گزینه‌ها در برخورد با ایران و همچنین با استمرار و تداوم فعالیت‌های دیپلماتیک رسمی و رایزنی‌های پشت پرده با همپیمانان‌اش و بکارگیری سیاست‌های تشویقی و تنبیهی به یک اجماع جهانی در این زمینه دست یابد و با همراه نمودن سایر بازیگران جهانی و استفاده از تبلیغات وسیع رسانه‌های گروهی و تحریک نمودن احساسات و افکار عمومی در داخل و خارج از آمریکا، موضوع انرژی هسته‌ای ایران را دارای نتایج ناگوار و پیامدهای مخرب و برهم زننده وضعیت فعلی و موجود منطقه و جهان جلوه دهد. آمریکا در این زمینه از اقدام و اعمال تک روی به سمت فعالیت‌های اجماع‌گرایی و جمعی و بین‌المللی حرکت نموده است و برآنست که دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای را نه تنها در تضاد و مخالفت با منافع خویش بلکه به اکثریت بازیگران بین‌المللی ارتباط بدهد. تعمیم جهانی به پرونده هسته‌ای ایران در جهت موجه و مشروع جاوه دادن اقدامات آمریکا در زمینه برخورد با ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی: انرژی هسته‌ای، خاورمیانه، هژمونی، صلح و امنیت

مقدمه

ایران به عنوان یکی از کشورهای درحال توسعه در مرحله خاصی از تاریخ سیاسی و اجتماعی خویش قرار دارد. علاوه بر موقعیت و شکل جغرافیایی خاص این کشور و دسترسی به آب‌های خلیج فارس و تسلط بر تنگه مهم و استراتژیک هرمز و سواحل آبی که بیشتر حاکی از عوامل پایدار و تغییرناپذیر در سیاست خارجی ج.ا.ا می‌باشد، این کشور همیشه به دنبال نقش مهم و کلیدی و تاثیرگذار در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بوده است. ایران به راین عقیده و تفکر است که با استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها و استعدادها خاص فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند نقش کلیدی و مهمی را در منطقه خاورمیانه ایفا نماید و در این زمینه ایفای این نقش نسبت به سایرین از وضعیت و شرایط مطلوبی برخوردار می‌باشد.

تاکید بر منابع قدرت ملی محسوس و نامحسوس و متغیرهای سنتی و طبیعی از یک طرف و تاکید بر دستیابی به انرژی هسته‌ای و علوم نرم افزاری و به کارگیری آن‌ها در عرصه علم و صنعت از سوی دیگر، موضوعات مهم و چالش برانگیزی می‌باشند که زمینه بحران و چالش بین ایران و ایالات متحده را وخیم‌تر نموده است. ایران دستیابی به علوم و فنون هسته‌ای و بومی نمودن این دانش را برآمده از قطع وابستگی به ایدئولوژی‌های شرق و غرب می‌داند و آن را از نتایج و پیامدهای انقلاب اسلامی ایران و تحکیم استقلال و توسعه اقتصادی خویش با توجه به ظرفیت‌های بومی و داخلی می‌داند. بنابراین دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای غرور و افتخار ملی و ظرفیت بالا و توان پاسخگویی نظام سیاسی در جهت پیشرفت و توسعه ملی ایرانیان به حساب می‌آید. سؤال مهم و اساسی در اینجا این است که چرا آمریکا نسبت به پرونده هسته‌ای ایران نگاه بدبینانه و توأم با شک و تردید دارد؟ و ایران چگونه می‌تواند این زمینه تردید و دودلی را از ذهن جامعه بین‌الملل پاک نماید؟ فرض اصلی اینست که مواضع آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران، برای جلوگیری از توسعه قدرت ملی ایران در جهان و بخصوص منطقه خاورمیانه و می‌باشد. بنابراین آمریکا به دنبال محدود نمودن قدرت ایران در برابر نفوذ و سلطه آمریکا در هزاره سوم در منطقه خاورمیانه و حفظ منافع ملی‌اش در آینده می‌باشد. بررسی مواضع آمریکا در ارتباط با پرونده انرژی هسته‌ای ایران از منظر نظریاتی مانند نظریه واقعگرایی (realism)، نو واقعگرایی neo-realism و نظریه بازی‌ها (game theory) قابل تبیین است. اما در این تحقیق با بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی کلاسیک می‌توان به تبیین پدیده‌ها و عوامل مختلف و ارتباط بین آن‌ها پرداخت. اساس این نظریه بر دولت محوری،

حاکمیت محوری، موازنه قوا، قدرت محوری و اصل آنا‌رشی بنا نهاده شده است. نکته مهم و اساسی اصل منافع ملی می‌باشد که تمام اهداف و اقدامات و برنامه‌ریزی‌های بازیگران یا واحدهای بین‌المللی برپایه آن انجام می‌گیرد. بکارگیری اصطلاح سیاست چماق و هویج و بکارگیری تحریم و تهدید و محدود نمودن قدرت و نفوذ سیاسی ایران در منطقه و جهان از اهداف مهم و اصلی آمریکا می‌باشد که این اهداف از طریق اجماع بین‌المللی، صدور قطعنامه، حمایت مادی و معنوی از مخالفان ایران، نزدیکی به جغرافیای طبیعی و سیاسی ایران، تهدید به جنگ و حمله، فشار بر کارتل‌ها و تراست‌های بین‌المللی برای عدم سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و انرژی، مخالفت با ورود ایران به برخی سازمان‌های بین‌المللی مانند گات و بالاخره قرار دادن ایران در محور شرارت انجام می‌شود. مجموعه این اقدامات فرضیه مخالفت آمریکا در قبال انرژی هسته‌ای ایران را تقویت می‌کند. اهمیت و پرداختن به این موضوع از آن جهت مهم و حائز اهمیت است که موضوع انرژی هسته‌ای بخش قابل توجهی از نیرو و توان علمی - تکنولوژی، درآمدهای اقتصادی و اوقات سیاسی و رایزنی‌های سیاسی در عرصه بین‌الملل را به خوداختصاص داده و هنوز به عنوان یک عمل تاثیر گزار بر منافع ملی ما از جایگاه بالایی در عرصه سیاسی برخوردار است. شناخت دلایل مخالفت و مواضع آمریکا می‌تواند به سؤالات بی‌پاسخ در ذهن هر پژوهشگری جواب بدهد. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک نظام نوین سیاسی با ویژگی‌های خاص فکری و عقیدتی و فرهنگی، و با تجربه‌های بدست آورده در طول سه دهه از گذشته پر فراز و نشیب خود، دستیابی به انرژی هسته‌ای را نتیجه همان تلاش‌ها و کوشش‌هایی می‌داند که علیرغم مخالفت‌های جهانی با این نظام توانسته است به اهداف و شعارهایش جامه عمل بپوشاند.

۱- مواضع ایران و آمریکا بعد از انقلاب:

شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ ش) و بازتاب آن بر سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی فصل جدیدی را در حوزه روابط بین‌الملل به وجود آورد. این بازتاب در ابتدا در تشریح مواضع ایدئولوژیک اسلامی برای نفی ایدئولوژی‌های مسلط در نظام دو قطبی (کمونیسم و لیبرالیسم) مطرح گردید. انقلاب اسلامی ایران با محوریت قرار دادن ایدئولوژی اسلامی، دو اصل ایدئولوژی کمونیسم و لیبرالیسم را به عنوان دو مکتب مادیگرایانه و غیردینی به نقد و چالش کشید. راه سوم انقلاب اسلامی ایران را می‌توان در دو عنوان مردمسالاری دینی در داخل

و تقویت اسلام سیاسی در خارج تبیین نمود. (ستوده: ۱۳۸۵، ۲۹۱) اسلام سیاسی به عنوان یک طرح نوین در عرصه مناسبات بین‌المللی از سوی ایران یک تهدید و چالش برای آمریکا تلقی می‌گردد. ج.ا. ایران با نفی سلطه قدرت‌های استکباری و حمایت از مستضعفین جهان هرگونه حمایت از مردم ستم‌دیده و مستضعف را جزو اهداف اصولی و غیرقابل انکار در حوزه روابط خارجی خویش مطرح نمود. اصل یکصد و پنجاه و چهارم قانون اساسی در این به اره می‌گوید: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

قدرت‌هایی مانند آمریکا در این تقسیم‌بندی به عنوان مستکبر و دولت‌هایی که در مرحله انقیاد وضع و استثمار بودند به عنوان دولت‌های مستضعف به حساب می‌آیند. این تقسیم‌بندی و قطب‌بندی ایدئولوژیک یک سری خطوط قرمز را در حوزه روابط ایران با سایر بازیگران بین‌المللی در عرصه نظام بین‌الملل برجسته و متمایز نمود. بر اساس همین قطب‌بندی، ایالات متحده به عنوان شیطان بزرگ و عامل استثمار و استعمار و بدبختی و گرفتاری‌های کشورها و دولت‌های ستم‌دیده در جهان بینی سیاسی ایران متبادر به ذهن گردید. بنابراین رویکرد و مواضع ایران نسبت به ایالات متحده از متحد و دوست ایران در عصر پهلوی دوم تبدیل به دشمن و رقیب ایران در بعد از انقلاب اسلامی گردید و این چرخش بکصد درجه‌ای سرآغاز تنش و درگیری و کشمکش‌های سیاسی در روابط طرفین گردید. شکاف، اختلافات و تعارضات با پیچیده‌گی‌های خاص خود همراه بود و هر دو کشور در جهت‌گیری و مرزبندی سیاسی خاص خویش بودند و سعی در ائتلاف و اجماع بین‌المللی بر علیه یکدیگر و محکوم نمودن طرفین به عدم رعایت قواعد و مقررات بین‌المللی بودند. ایران بر این عقیده است که در حوزه خلیج فارس و منطقه خاورمیانه دارای قدرت و توان برتر منطقه‌ای می‌باشد و به لحاظ موقعیت جغرافیایی و ژئواستراتژیک، توان مدیریت و کنترل منطقه را دارد. از دید ایران هر قدرت خارجی، یک تهدید بالقوه دائمی برای استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور و رقیبی دائمی برای اعمال نفوذ در منطقه است. (گراهام فولر: ۱۳۷۳، ۲۸۵) ایران به این عقیده است که آمریکا با کارشکنی و ایجاد موانع و مشکلات در راه سیاست‌های داخلی و خارجی، با پیشرفت و توسعه ایران در حوزه‌های گوناگون مخالفت می‌کند. البته اقدامات و مواضع و

کارشکنی‌های آمریکا در برهه‌های مختلف بعد از شکل‌گیری انقلاب اسلامی این ادعای ایران را کاملاً اثبات می‌نماید. همچنین ایران نسبت به سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا در عرصه بین‌الملل و سیاست‌های سد نفوذ آن کشور و ایجاد سیاست‌های واگرایی بین ایران و سایر کشورهای منطقه و جهان مخالفت می‌نماید. واقعیت آن است که تمام دولت مردان آمریکا در احزاب دموکرات و جمهوریخواه نسبت به ایران از یک اصول مشترک و قاعده‌مند و نزدیک به هم در ارتباط با برخورد نسبت به ایران تبعیت می‌نمایند.

آمریکا به شکل دائمی، منسجم و برنامه‌ریزی شده سعی در ایجاد محدودیت و موانع برای افزایش قدرت ایران در عرصه‌های گوناگون است. تقریباً در عمر سی ساله نظام جمهوری اسلامی ایران موانع و محدودیت‌های آمریکا با اشکال گوناگون و در الفاظ و اعمال متفاوت دیده شده است و نمونه جدید و بارز این مخالفت‌ها را می‌توان در مواضع و موانع آمریکا در دستیابی ایران به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بررسی و تحلیل نمود. دستیابی ایران به فن‌آوری هسته‌ای و تولید دانش هسته‌ای و بکارگیری مهارت و دانش هسته‌ای در قالب صنعتی یکی دیگر از نقاط تنش و درگیری بین ایران و آمریکا می‌باشد که در طول این چند سال تحلیل‌ها و نوشته‌ها و مقالات و پژوهش‌های خاص خود را از سوی جامعه علمی در داخل و خارج به همراه داشته است. مسئله انرژی هسته‌ای به عنوان یک مسئله لاینحل در روابط ایران و آمریکا سمت و سوی خاص خود را داشته است و بدلیل تضاد مواضع سیاسی طرفین، به یک نتیجه قابل قبول برای حصول به یک مواضع مشترک مبتنی بر توافق طرفین دست نیافته است.

۲- دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای

دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای و تولید و غنی‌سازی اورانیوم سبب گردیده که انحصار توان هسته‌ای در جهان امروز که بیشتر در دست عده‌ای محدودی از کشورهای پیشرفته صنعتی می‌باشد، شکسته گردد و ایران به عنوان یکی از کشورهای درحال توسعه، در زمره چند کشور مشخص و معین و معدود دارای توان هسته‌ای قرار بگیرد. دستیابی به انرژی هسته‌ای سبب خود باوری و غرور ملی ایرانیان گردیده و انعکاس این خبر سبب بروز مخالفت‌ها و موضع‌گیری‌های تند در میان کشورهای اروپایی و غربی به خصوص ایالات متحده گردیده است. برملا شدن موضوع انرژی هسته‌ای ابتدا در ۱۴ اوت ۲۰۰۲ م. توسط نمایندگان سازمان منافقین در هتل ویلارد واشنگتن انجام شد. بعد از آن شبکه خبری C.N.N از نیروگاه‌های نطنز

و اراک تصاویری را ارائه داد و ایران را به ساخت سلاح اتمی در این دو نیروگاه متهم نمود. بعد از انعکاس این اخبار و موضع‌گیری‌ها توسط رسانه‌های گروهی، محمد البرادعی مدیرکل آژانس در اوایل بهمن ماه ۱۳۸۱ ش. از ایران بازدید می‌نماید و اعلام می‌کند آنچه که در ایران دیده و مشاهده نموده است موضوع غیر منتظره‌ای نبوده و برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز می‌باشد. اما برخی از کشورها اظهارات تند و بهانه‌جویانه‌ای از خود بروز دادند تا این که البرادعی در ۲۶ خردادماه ۱۳۸۲ گزارش جامعی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارائه داد. در این میان ایالات متحده آمریکا تبلیغات تخریبی را علیه ایران به کار گرفت و اعلام نمود ایران باید به معاهده N.P.T پایبند باشد و بدون پیش شرط پروتکل الحاقی را امضاء نماید. (قریب آبادی: ۱۳۸۳، ۸۲-۸۰) از این تاریخ به بعد پرونده هسته‌ای ایران وارد کش و قوس‌های سیاسی گردید و بیشترین حساسیت‌ها از سوی مجامع بین‌المللی متوجه آن گردید. دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای از سیاست‌های پایدار در قبل و بعد از انقلاب اسلامی بوده است. ایران در سال ۱۹۷۰ م. پیمان منع تکثیر سلاح‌های اتمی را امضاء نمود و در جهت تحقق به انرژی هسته‌ای به اعزام دانشجو به خارج از کشور و عقد قراردادهای دوجانبه با کشورهای اروپایی، قدم‌های اولیه در این زمینه برداشت. پروژه بوشهر و ساخت اولین راکتور هسته‌ای ایران به آلمان واگذار گردید و فرانسه پروژه دارخوین را عهده دار گردید و ایالات متحده، ایران را به سرمایه‌گذاری در این زمینه تشویق نمود. (www.hoqouq.com/law)

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و خروج دولت انقلابی ایران از بلوک سرمایه‌داری و متحدان آمریکایی-اروپایی‌اش، تنش و جدال میان ایران و آمریکا بالاگرفت. به طوری که با اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، روابط هردو کشور به سردی گرایید. علاوه بر قطع روابط ایران با آمریکا به عنوان یک متحد هسته‌ای در قبل از انقلاب، شروع جنگ تحمیلی از سوی عراق و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن و طولانی‌شدن جنگ و پرداختن به پیامدها و مسائل و مشکلات آن، تا مدتی ایران را از پرداختن به موضوع انرژی هسته‌ای مبرا ساخت تا این که بعد از جنگ، به خصوص از اوایل دهه ۱۳۷۰ رویکرد ایران به انرژی هسته‌ای فعال گردید و در این راه اقدامات و تحرکاتی انجام گرفت. ایران در جهت دستیابی به انرژی هسته‌ای و راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر به عقد قراردادهایی برای استفاده از انرژی مسالمت‌آمیز هسته‌ای با فدراسیون روسیه در دوم شهریور ۱۳۷۱ و با دولت چین در نوزدهم شهریور ۱۳۷۱، همکاری‌های گسترده با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مشارکت فعال در کمیته خلع سلاح در

مذاکرات ۱۹۹۳ م مربوط به منع تسلیحات شیمیایی و امضای معاهده سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳ م. فعالیت مستمر در سازمان منع تسلیحات شیمیایی، مشارکت فعال و سازنده در مذاکرات مربوط به معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای و امضاء آن، از دیگر فعالیت‌های عمده ایران در زمینه کنترل تسلیحات و خلع سلاح در این دوره زمانی بوده است. (خوش اندام: ۵۶، ۱۳۸۶) استدلال‌های ایران در جهت دستیابی به انرژی هسته‌ای و عدم پذیرش تعلیق غنی‌سازی اورانیوم را می‌توان درم‌وارد زیر مورد ارزیابی قرارداد.

۲-۱ - توسعه علمی - صنعتی:

استدلال ایران برای از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای برآمده از نگاه توسعه و پیشرفت ملی و نیاز و ضرورت بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی به انرژی هسته‌ای در آینده می‌باشد. در صورتی که برنامه ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای و تولید ۷۰۰۰ مگاوات ظرفیت هسته‌ای در کشور تا سال ۲۰۲۰ م محقق گردد، به اندازه ۱۹۰ میلیون بشکه نفت خام در مصارف نیروگاهی کشور صرفه‌جویی به عمل خواهد آمد که ارزش اقتصادی آن در سال بیش از پنج میلیارد دلار برآورد می‌گردد. همچنین به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی نیز از تولید ۱۵۷ هزار تن دی‌اکسید کربن، ۱۵۰ تن ذرات معلق در هوا، ۱۳۰ تن گوگرد و ۵۰ تن اکسید نیتروژن جلوگیری به عمل خواهد آمد. (قریب آبادی: ۹۴، ۱۳۸۳) علاوه بر حجم بالای سود اقتصادی و منفعت مادی آن که می‌تواند سایر بخش‌های صنعتی، پزشکی و اقتصادی را غنی نماید و زمینه توسعه صنعتی و اقتصادی را در جامعه فراهم نماید، ارزش علمی آن بسیار مهم و حائز اهمیت می‌باشد. دانش بومی و داخلی ساخت انرژی هسته‌ای و چگونگی فرایند غنی‌سازی اورانیوم می‌تواند سرآغاز یک جهش و تحول علمی در جهت حرکت از مرحله وابستگی علمی به استقلال علمی را فراهم نماید. دلایل ایران در جهت نوآوری علمی و توسعه علوم هسته‌ای کاملاً موجه و منطقی است. امروزه بسیاری از کشورهای پیشرفته به دلیل برخورداری از فنون و علوم جدید، زمینه عقب ماندگی و توسعه نیافتگی سایر کشورها را تشدید می‌نمایند و از این طریق در جهت وابستگی بیشتر آنان می‌کوشند. علاوه بر این استدلال و برهان، ایران با توجه به اساسنامه آژانس و با تاکید بر ماده چهارم NPT استدلال می‌کند که حق دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته‌ای را دارد. بند اول ماده چهارم اساسنامه به صراحت اشاره می‌نماید که هیچ یک از مقررات معاهده حاضر به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که به حقوق غیرقابل تفویض هریک از دولت‌های عضو معاهده حاضر برای توسعه تحقیقات و تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای با اهداف صلح جویانه، بدون تبعیض و طبق مقررات مواد ۱ و ۲ پیمان حاضر، لطمه وارد سازد.

همچنین در بند دوم ماده ۴ آمده است که همه دولت‌های عضو معاهده متعهد می‌شوند، تبادل هرچه وسیع‌تر تجهیزات و اطلاعات علمی و تکنولوژیکی را به منظور مصارف صلح جویانه انرژی هسته‌ای تسهیل نمایند و حق مشارکت در این مبادلات را دارند. به علاوه هرکدام از طرف‌های معاهده در صورت توانایی، باید انفرادی یا همراه سایر اعضا یا سازمان‌های بین‌المللی در توسعه بیشتر استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح جویانه به ویژه در سرزمین‌های دولت‌های عضو پیمان که فاقد سلاح‌های هسته‌ای هستند، با توجه به نیازهای مناطق درحال رشد جهان تشریک مساعی نمایند. (قریب آبادی: ۱۳۸۳، ۹۷) صراحت به کار رفته در بند اول و دوم ماده چهارم هرگونه ابهام را در پرونده انرژی هسته‌ای برطرف می‌سازد. ایران به راین عقیده است که به انظار بازرسان آژانس و ارائه گزارش‌ها به آن سازمان، هرگونه شک و دودلی را در زمینه مقاصد و اهداف هسته‌ای از بین برده است. از دیگر اهداف ایران در تعقیب نمودن دستیابی به انرژی هسته‌ای، جایگزین نمودن انرژی هسته‌ای به جای نفت و گاز می‌باشد. آمارها و بررسی‌ها نشان دهنده آن است که ذخایر زیر زمینی درآینده نه چندان دور به پایان می‌رسد. بر اساس پژوهشی از سوی آکادمی ملی علوم در آمریکا، مسئله نیاز ایران به انرژی هسته‌ای، ممکن است واقعیت داشته باشد. چرا که بر اساس ارزیابی انجام شده، احتمالاً صادرات نفت ایران تا پنج سال آینده به نصف میزان فعلی و تا سال ۲۰۱۵ م به حد صفر برسد و همه تولیدات نفتی را خود مصرف نماید. این گزارش متذکر می‌شود که میزان سرمایه‌گذاری در تولید بیشتر نفت ناکافی است. به اضافه این که جمعیت کشور نیز درحال افزایش می‌باشد. (اسدی: ۱۳۸۶، ۸) توسعه صنعتی و گسترش واحدهای تولیدی، افزایش مصرف خانوارها و نیاز اقتصادی به درآمدهای نفت و گاز سبب گردیده که مصرف این انرژی در داخل و فروش آن در خارج روز بروز بیشتر گردد. طبیعی است که ایران با جایگزین نمودن انرژی هسته‌ای از افزایش بی‌رویه نفت و گاز جلوگیری نماید و این میراث آیندگان را به عنوان یک پشتوانه ملی ذخیره نماید. برخی از کشورهای غربی از جمله آمریکا، ایران را به عدم نیاز به انرژی هسته‌ای متهم می‌نمایند و از سوی دیگر تأکید می‌نمایند که در صورت نیاز به انرژی هسته‌ای، آن‌ها می‌توانند سوخت هسته‌ای را به صورت آماده در اختیار ایران قرار دهند و در عوض ایران از غنی‌سازی اورانیوم دست بردارد. ایران به چنین پیشنهادی اعتماد ندارد. ایران می‌گوید که غنی‌سازی اورانیوم را برای نیروگاه بوشهر و دیگر برنامه‌های هسته‌ای می‌خواهد و چون دریافت آن برای یک برنامه پویا، مهم است. پس سوخت هسته‌ای لازم باید در داخل کشور تولید شود. (حسینی اسفید و اجانی: ۱۳۸۴، ۴۴)

۲-۲- خوداتکایی و عدم اعتماد به بیگانه:

سیاست‌های غرب در ادوار مختلف تاریخ روابط خارجی در قبال ایران، سبب نوعی بی‌اعتمادی ایران به حرف‌ها و نیت‌ها و اعمال آنان گردیده است. بالاخره در حوزه روابط کشورها، تنش‌ها و تغییر جهت‌ها و فراز و نشیب‌های زیادی شکل می‌گیرد که به نوعی یک بازیگر بین‌المللی را در وضعیت قرارداده شده می‌گزارد. ایران به هیچ‌رو نمی‌تواند به فرستادن سوخت از کشورهای دارنده و تولیدکننده سوخت هسته‌ای اعتماد نماید، وقتی یک کشور این توان و قابلیت را برای ساخت انرژی مورد نیاز خود دارد، کاملاً غیر منطقی است که در یک چرخه وابستگی اقتصادی باقی بماند. علاوه بر موارد ذکر شده فوق، مسئله دیگر اقدامات و ضربه‌ها و خسارت‌ها و نیت و اعمال آشکار و پنهان کشورهای غربی از جمله آمریکا بر علیه منافع ملی ایران، در قبل و بعد از انقلاب اسلامی بوده است. سیاست‌هایی که جنبه قلدرمابانه و زورگویی و در صدد ضربه زدن به استقلال و حاکمیت ملی ایرانیان بوده است. نقشه‌هایی مانند، کودتای نوژه، مساله طبس، جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران، حمایت از صدام و تحریک آن بر علیه ایران، حضور نظامی در منطقه خلیج فارس به بهانه تامین امنیت خلیج فارس، حمایت از اسرائیل در کشتار مردم بی‌دفاع فلسطین، حمایت از گروه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌های اقتصادی بر علیه ایران و بلوکه نمودن پول و دارایی‌های ایران، نمونه‌هایی از اقدامات آمریکا و هم‌پیمانانش بر علیه منافع ملی و استقلال ایران می‌باشد. چطور جمهوری اسلامی ایران می‌تواند این همه اقدامات مخالف بر علیه خود را از یاد ببرد و به اعمال و نیت آنان (آمریکا) اعتماد نماید. ج. ا. ایران پس از اتمام جنگ، دو استراتژی اصلی را در ابعاد نظامی و انرژی در پیش گرفت. اول، توسعه صنایع نظامی و انجام پژوهش‌های مربوط به کسب فناوری‌های تسلیحاتی و تجهیزات نظامی در جهت تامین و تجهیز نیروهای مسلح و کاهش وابستگی به منابع خارجی در جهت تامین بیشتر امنیت ملی کشور و دوم، سیاست جانشین‌سازی تدریجی انرژی‌های گاز و هسته‌ای به جای نفت ... در مورد دوم ایران با جدیت تمام تلاش کرده منبع مصارف خانگی و صنعتی کشور را هرچه بیشتر از نفت به گاز طبیعی سوق دهد و همچنین توانسته است به فناوری تولید (کیک زرد) و غنی‌سازی اورانیوم دست یابد و وارد باشگاه کشورهای هسته‌ای جهان بشود. (اسدی: همان، ۱۲-۱۱) کشورهای اروپایی به همراه آمریکا باید این مهم را قبول نمایند که ایران توانایی و دانش غنی‌سازی اورانیوم را بومی نموده است. برنامه‌های هسته‌ای ایران در چارچوب آژانس و بر طبق قواعد و مقررات بین‌المللی می‌باشد و ایران در این زمینه با نیت صلح آمیز در تعقیب این فناوری می‌باشد.

۳- مواضع ایالات متحده آمریکا:

بسیاری از تحلیلگران و صاحب‌نظران سیاسی به راین عقیده‌اند که مواضع آمریکا در برخورد با پرونده هسته‌ای ایران، سیاسی و جنجال‌برانگیز می‌باشد. علاوه بر مواضع سیاسی آمریکا، بسیاری از کشورهای هم‌پیمان با آمریکا که دارای منافع مشترکی با آن می‌باشند، همین رویکرد را دنبال می‌نمایند. سئوالی که پیش می‌آید اینست که چرا آمریکا نسبت به مقاصد صلح‌آمیز هسته‌ای ایران بدبین است؟ آمریکا در بین سال‌های (۱۳۳۲-۱۳۵۷ ش) یکی از متحدان اصلی ایران در منطقه بود. اما بعد از شکل‌گیری تغییرات سیاسی و انقلابی در ایران، مواضع طرفین با توجه به عوامل متعددی، به سمت و سوی تنش و ستیزه‌جویی کشانده شد. به طوری که هرگونه روابط فرهنگی و اقتصادی تحت‌الشعاع روابط سیاسی قرار گرفت. از سوی دیگر این واقعیت برکسی پوشیده نیست که آمریکا به برتری اقتصادی و نظامی و نفوذ جهانی در بسیاری از موارد چه به صورت مستقیم و غیر مستقیم در صدد ضربه زدن به ایران بوده است. آمریکا از نظر اقتصادی ۲۵-۳۰ درصد تولید ناخالص جهانی را به خود اختصاص داده است. از نظر نظامی نیز هزینه دفاعی آن ۲ برابر بیشتر از ۱۸ عضو ناتو است و بودجه نظامی آن ۴۰۰ میلیارد دلار است. (جعفری ولدانی: ۲۳۷، ۱۳۸۲) قدرت اقتصادی و نظامی آمریکا سبب افزایش نفوذ سیاسی آن شده است و این افزایش نفوذ زمینه استیلا (هژمونی) آمریکا را بر جهان فراهم نموده است. کشوری مانند ایالات متحده آمریکا با این برتری در حوزه نظامی و اقتصادی و نفوذ سیاسی در مجامع بین‌المللی، به خصوص شورای امنیت، به چه دلیل از گسترش و توسعه سیاست‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران هراسان و با آن مخالفت می‌نماید؟ آمریکا و هم‌پیمانانش برای نگرانی از نیات و اهداف ایران در زمینه انرژی هسته‌ای، چند دلیل را مطرح می‌نمایند: ۱- تمایل ایران به تکمیل نیروگاه بوشهر ۲- سابقه برخی اقدامات تردیدبرانگیز ایران در اروپا و جهان ۳- تلاش مخفیانه ایران برای گسترش برنامه هسته‌ای ۴- اقدام ایران برای توسعه موشک‌های میان برد و دوربرد. (حسینی اسفید واجانی: همان، ۴۴) آمریکا سعی دارد که هسته‌ای شدن ایران را عامل تخریبی امنیت جهان و هم‌پیمانانش جلوه دهد و آن را موجب برهم زدن نظم مورد نظر آمریکائیان قلمداد نماید.

۳-۱- بزرگنمایی در هسته‌ای شدن ایران:

طرز تلقی آمریکا از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای، بیشتر متوجه دستیابی ایران به فن‌آوری‌های ساخت و تولید بمب هسته‌ای می‌باشد. دولت ایران بارها بر صلح‌آمیز بودن انرژی

هسته‌ای و نظارت آژانس بر موسسات هسته‌ای را تاکید نموده است. حتی منابع اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا بر وجود صلح آمیز بودن انرژی هسته‌ای ایران تاکید نموده‌اند. در سال ۲۰۰۷ م. حدود ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا طی گزارشی در مورد برنامه اتمی ایران اعلام کردند، فاصله ایران تا مرحله ساخت بمب اتمی فراوان است و هیچ نشانه‌ی حداقل از سال ۲۰۰۳ م. تاکنون مبنی بر وجود یک برنامه نظامی اتمی در فعالیت‌های ایران ملاحظه نمی‌شود. (www.bazyab.ir/index) تایید و ابلاغ سازمان‌های جاسوسی آمریکا و مخابره این خبر از سوی رسانه‌های جمعی در سراسر جهان، نتوانست سیاست‌های آمریکا را بر علیه برنامه هسته‌ای ایران عوض نماید. چرا آمریکا با دردست داشتن شواهد و قراین صریح و آشکار باز هم سعی می‌نماید به برنامه هسته‌ای ایران با دیده تردید بنگرد؟

آمریکا با تاکید بر مساله امنیتی خود و هم پیمانانش ادعا می‌نماید که جنگ افزارهای هسته‌ای ایران در کنار موشک‌های بالستیک دور برد در ایران این امکان را خواهد داد که امنیت غرب، آمریکا و همسایگانش را به گونه‌ای تازه و خطرناک‌تر از تروریسم بین‌الملل تهدید کند و می‌افزاید که هسته‌ای شدن ایران، روابط آمریکا، روسیه، چین و حتی اروپا را پیچیده‌تر می‌کند و می‌تواند به دوگونه بر امنیت آمریکا اثر بگذارد: یکی به گونه‌ی جانبی بر منطقه، همسایگان ایران و نیز هم پیمانان و دوستان آمریکا و دیگری به گونه مستقیم بر خود آمریکا. (حسینی اسفید واجانی: همان، ۵۰) آمریکا درصدد تامین امنیت برای دوستان و هم پیمانانش در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، به خصوص امنیت اسرائیل می‌باشد و با بردن پرونده هسته‌ای ایران از آژانس به شورای امنیت، به دنبال امنیتی نمودن آن می‌باشد. آمریکا با اولویت بخشیدن به موضوع امنیت اسرائیل با ورود یک کشور خاورمیانه‌ای به باشگاه اتمی جهان راضی نمی‌باشد و موازنه قوای موجود را به سود اسرائیل حفظ خواهد نمود. اما واشنگتن برای بسیج کشورهای جهان و وحشت آفرینی در میان کشورهای منطقه روی نظامی بودن برنامه اتمی ایران پافشاری کرده و می‌کند تا بتواند بدون هیچ مشکلی، قطعنامه‌های متوالی در قالب شورای امنیت صادر کند و حلقه ایران را روز بروز تنگ‌تر نماید. (www.bazyab.ir) آمریکا برای تحقق این هدف، سعی نموده که از نفوذ در شورای امنیت بهره برده و به تصویب قطعنامه بر علیه ایران مبادرت نماید. چهار قطعنامه (۱۶۹۶، ۱۷۴۷، ۱۷۳۷ و ۱۸۳۵) زمینه را برای فضای گفتگو و مذاکره سازنده محدود نموده است. ایران این قطعنامه‌ها را غیر قانونی و سیاسی می‌داند اما از دیدگاه کشورهای غربی، مساله مهم برای آنان، حفظ وحدت نظر گروه ۵+۱ می‌باشد. (www.ommid.com/fa) واقعیت آنست که پرونده هسته‌ای ایران، آنقدر که برخی از کشورها مانند آمریکا و همپیمانانش تاکید می‌نمایند،

حاد و بحرانی نمی‌باشد اما طرز تلقی و بزرگنمایی آنان باعث شده است که پرونده را از آژانس به شورای امنیت ببرند. به نظر می‌آید که مساله انرژی هسته‌ای بهانه‌ای برای جلوگیری از افزایش قدرت و توانمندی‌های سیاسی و اقتصادی و علمی ایران است و آمریکا از توانمند شدن ایران عصبانی و ناراحت می‌باشد. خاورمیانه و منطقه خلیج فارس از اهمیت خاصی برای ایالات متحده آمریکا برخوردار است و سعی می‌کند که نفوذ سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را در این منطقه حفظ نماید و بر آن سیطره و تسلط داشته باشد. اما سیاست‌های ایران در ناحیه خاورمیانه در تضاد شدیدی با سیاست‌های ایالات متحده قرار دارد. عدم حل مساله فلسطین، حمایت ایران از سازمانهایی چون جهاد، حماس و حزب الله، وجود اسرائیل هسته‌ای در خاورمیانه و حضور آمریکا در اطراف ایران (افغانستان، ترکیه و خلیج فارس) که باعث نگرانی شدیدی برای ایران شده، همگی نشان از تضاد گسترده ایران با آمریکا دارد. وجود یک ایران هسته‌ای در ناحیه خاورمیانه می‌تواند معادله قدرت را به هم زده و ضعف آمریکا و متحدان استراتژیک آن یعنی اسرائیل را در منطقه فراهم آورد. (ساجدی: ۱۳۸۶، ۸۱)

گراهام فولر بر این عقیده است که مخالفت فعال تهران با روند صلح خاورمیانه، موجب شده است که ایران حتی بیش از فلسطینیان به طرفداری از فلسطین برخیزند. به اعتقاد فولر، ایران دقیقاً بدان جهت درصدد متوقف ساختن روند صلح برآمده است که این روند، هسته مرکزی سیاست خارجی ایالات متحده را در خاورمیانه تشکیل می‌دهد. (خلیلی: ۱۳۸۲، ۳۴۶-۳۴۵) یکی دیگر از صاحب‌نظران آمریکایی بنام جفری کمپ اظهار می‌دارد که تغییر سیاست آمریکا در قبال ایران، مشروط به تغییر سیاست ایران در قبال اسرائیل و روند صلح خاورمیانه است و ادامه سیاست فعلی در قبال اسرائیل، به معنای استمرار خصومت‌های آمریکا با ایران است. (همان، ۲۱۰) باید به این موضوع توجه داشت که ایران دارای یکسری آرمان‌ها و اهداف و اصولی خاص در ارتباط با تعقیب اهدافش در حوزه سیاست خارجی می‌باشد. همان طور که بسیاری از کشورهای دیگر در این زمینه از چنین اهداف و آرمانی برخوردار هستند.

۳-۲- ممانعت از توسعه نفوذ ایران در خاورمیانه:

تبدیل ایران به یک الگوی موفق و پیشرو در حوزه‌های گوناگون علمی، صنعتی، اقتصادی و گسترش این روش و حرکت در بین بسیاری از کشورهای خاورمیانه و جهان سبب بدبینی بیشتر ایالات متحده گردیده است. از دید آن‌ها قوی شدن ایران در منطقه معادله قدرت را بهم می‌زند و سبب می‌گردد برخی جریان‌ها و جنبش‌ها در منطقه با تبعیت از ایران، نظم موجود و حضور و

تداوم سیاست‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه را به زیر سؤال ببرند و یک تفکر و جو ضد آمریکایی شکل بگیرد. دولت آمریکا سعی می‌نماید با توجیه و تفسیر اقدامات ایران در ارتباط با صلح خاورمیانه، چنین القا نماید که ایران مخالف این روند است در صورتی که بسیاری از اقدامات آمریکا و همپیمانانش مانند اسرائیل که برخلاف اصول اخلاقی و انسانی می‌باشد، امری موجه و مشروع جلوه داده می‌شود. یکی دیگر از شرایط کشورهای غربی و متحدان آن در ارتباط با مذاکره با ایران پیرامون غنی‌سازی اورانیوم، تعلیق کامل فعالیت‌های هسته‌ای ایران می‌باشد. برای نمونه در دوران ریاست جمهوری خاتمی شورای حکام آژانس، شش قطعنامه در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران صادر نمود و حتی برای ایران نشان دادن نیت و اهداف صلح جویانه، به مدت دو سال به تعلیق غنی‌سازی اورانیوم مبادرت نمود. (خوش اندام: ۱۳۸۶، ۶۰) اما در مواضع آمریکا و متحدان غربی آن تغییری ایجاد نشد. آمریکا با اشاره به معلول‌ها و عدم توجه به علل اساسی و اصلی سعی می‌نماید صورت مساله را تغییر دهد که البته ایران نسبت به بسیاری از اقدامات و اعمال آمریکا شناخت و آگاهی دارد. برخی از صاحب‌نظران به این عقیده می‌باشند که آمریکا باید در برابر ایران یک سری شرایط و قیودات را رعایت نماید که از جمله آن‌ها عبارتند از: ۱- آزاد نمودن سرمایه‌های بلوکه شده ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا الان. ۲- کنار گذاشتن تلاش و کوشش برای تجدید تحریم‌ها بر علیه شرکت‌های غیر آمریکایی در بخش نفت و گاز ایران. ۳- اجازه دادن به توسعه خطوط لوله گاز طبیعی از طریق پاکستان به هند و در نهایت برداشتن گام‌های دیپلماتیک می‌باشد. (پرکویچ: ۱۳۸۴، ۷۱).

آمریکا سعی دارد که از طریق سیاست چماق و هویج که تقریباً کارآیی و اثر خود را از دست داده و بیشتر در حوزه دیپلماسی سنتی گنجانده می‌شد، ایران را وادار به قبول و پذیرش خواسته‌ها و تمایلات خود نماید که این اقدام با اصول و اهداف و ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران همخوانی ندارد. ایالات متحده باید از دشمنی آشکار و پنهان با حکومت اسلامی ایران دست بردارد، نتایج انقلاب را به رسمیت بشناسد و با گروه‌های مختلف قدرت از طریق وزارت خارجه ایران مذاکره نماید... تا زمانی که واشنگتن لحن و رفتار خود را تغییر ندهد، ایران به تمام نگرانی‌های موجود در باره این کشور از دید رقابت بسیار شدید با ایالات متحده و بر خلاف اهداف جهانی منع گسترش می‌نگرد. (کریگ: ۱۳۸۴، ۲۶۵) آمریکا سعی دارد به خاطر منافع ملی درازمدتش و متحدان اصلی در منطقه خاورمیانه، مساله تعلیق غنی‌سازی را با تحمیل فشارهای اقتصادی بر ایران به مرحله مطلوب خویش برساند. در طول سال ۲۰۰۸ م. دولت جورج بوش

سیاست مجازات‌های سنگین اقتصادی، فشار به شرکت‌های بزرگ غربی مانند شرکت نفتی فرانسوی توتال یا فشار بر بانک‌ها را به اجرا گذاشت تا تهران را از ادامه برنامه هسته‌ایش منصرف سازد، در صورتی که ایران فعالیت‌های غنی‌سازی را سرعت بخشید. (www.rfi.fr/actufa/articles) سیاست‌های زور و فشار در ارتباط با ایران کارایی ندارد و هر چه آمریکا این سیاست‌های را گسترش دهد، همکاری ایران هم کاهش می‌یابد. یکی از سناتورهای آمریکایی به نام شومر بر این عقیده است که یک راه حل برای حل مسئله هسته‌ای ایران وجود دارد و آن تشدید تحریم‌های اقتصادی بر علیه جمهوری اسلامی ایران است و موثر بودن این تحریم‌ها به حمایت کشورهایمانند روسیه و چین نیازمند است. آمریکا باید خسارت مالی روسیه از تجارت با ایران را که به میزان ۲ تا ۳ میلیارد دلار در سال است را جبران کند که این مبلغ هزینه یک هفته اقامت ارتش آمریکا در عراق است. (www.pe.rian.ru/articies)

مجامع جهانی می‌داند که چین و روسیه در صدور قطعنامه‌ها و تصویب آن از یک همگرایی و هم‌رایی با آمریکا برخوردار بوده‌اند و اگر در مواقعی نسبت به مواضع آمریکا مخالفت‌هایی نموده‌اند بیشتر در جهت امتیاز گرفتن و تامین منافع ملی خودشان بوده است تا حمایت از اهداف هسته‌ای ایران. در واقع بسیاری از کشورها سعی دارند با پرونده هسته‌ای ایران مانند ابزاری در جهت حصول به اهداف ملی خود استفاده نمایند. در حالی که نظرسیاستمداران آمریکایی در جهت توقف برنامه هسته‌ای ایران بر تحریم‌های اقتصادی زهفته است و سعی می‌نمایند با این گونه اقدامات زمینه را برای تعلیق غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران فراهم نمایند، تحلیلگران انگلیسی این گزینه را مفید و موثر نمی‌دانند. جان تامسون نماینده سابق بریتانیا در سازمان ملل متحد عقیده دارد که ما واقعیت را انکار می‌کنیم و گزینه ایرانیان همان‌طور که بارها گفته‌اند قصد ندارند دست از فعالیت هسته‌ای خود بردارند و غرب در برابر موضوع هسته‌ای ایران شکست خورده است. جان تامسون از نقش انگلیس به عنوان میانجی و بازیگر موثر یاد می‌کند که می‌تواند موانع موجود بر سر راه پرونده هسته‌ای ایران را برطرف نماید (www.5.irna.ir/new) دلیل واستدلال غربی‌ها اینست که در صورت دستیابی ایران به توان هسته‌ای، موازنه قوا در منطقه برهم می‌خورد و ایران می‌تواند یک خطر برای محو و نابودی اسرائیل باشد. بانگاهی واقع بینانه به تحولات سیاسی در منطقه خاورمیانه مشاهده می‌کنیم که نظام ج.ا. ایران در طول دوران حیاتش، هیچ‌گاه حریم کشورها را نقض ننموده و از اصول و تعهدات بین‌المللی کاملاً پیروی نموده است. رفتار و اعمال ایران در این مدت سی سال کاملاً موید این گفتار می‌باشد. موضوع دیگری که کشورهای غربی بر آن تاکید دارند مساله انحراف ایران از اصول و تعهدات بین‌المللی در چارچوب

آژانس است که این موضوع بیشتر مشکل خود آن‌ها و هم پیمانانشان می‌باشد. دولت ایران در این زمینه پیشنهادهاتی را مطرح نموده که اروپائیان هیچکدام را نپذیرفته‌اند. سیاست‌های غربی‌ها سیاست یک بام و دو هواست. طی مدتی که پرونده ایران به طور فعال در دستور کار شورای حکام آژانس بوده، آژانس حدود ۱۵ مورد قصور در سایر کشورهای عضو از جمله در کره جنوبی، مصر و تایوان پیدا کرده است. آژانس بین‌المللی در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ م. مکرر از کره جنوبی درخواست نمود که اجازه بازرسی تاسیسات غنی‌سازی خود را به بازرسان آژانس بدهد اما کره جنوبی موافقت نمود و بعداً آژانس اعلام نمود که کشور مزبور تا میزان ۷۷ درصد غنی‌سازی نموده است. غنی‌سازی تا حد اکثر غلظت شش درصد مصارف صلح آمیز دارد و از غلظت ۷۵ درصد به بالا برای مصارف نظامی است.

(www.hoqouq.com) در صورتی که غنی‌سازی اورانیوم ایران در حدود ۵/۴ درصد اعلام شده است که این درصد محدود صرفاً جنبه مثبت و صلح آمیز دارد. در ارتباط با اسرائیل که دارای ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای می‌باشد و کاملاً از حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا برخوردار است هیچ‌گونه اظهار نظر و تحقیقاتی انجام نمی‌شود اما در مورد ایران، تبلیغات وسیع به راه انداخته می‌شود و ایران را متهم به نقض معاهده آژانس می‌نمایند.

بهره سخن

آمریکا سعی نموده با بزرگ جلوه دادن دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای و ارتباط دادن آن به بمب هسته‌ای نوعی نگاه منفی و بدبینانه را به سایر بازیگران جامعه بین‌المللی تلقین نماید و دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای را در راستای قدرت طلبی و فزون‌خواهی ایران در منطقه خاورمیانه تلقی نماید و استدلال می‌نماید که ایران در جهت دستیابی به تسایحات هسته‌ای برای برتری و بر هم زدن توازن قدرت در منطقه است و در صورت دستیابی به آن وضعیت موجود به هم می‌ریزد و نوعی کشمکش و بی‌ثباتی در منطقه شکل می‌گیرد که این منجر به جنگ و آشوب خواهد شد. مخالفین دستیابی ایران به انرژی صلح آمیز هسته‌ای با نگرش و استدلال سیاسی سعی می‌نمایند که از توسعه و پیشروی آن جلوگیری نمایند اما ایران می‌بایست در این زمینه با شفاف‌سازی، تعامل و گفتگو زمینه اعتمادسازی کشورهای گروه ۵+۱ را به خود جلب نماید و با مرجع قرارداد آژانس و تعاملات بیشتر با آن سعی در خنثی نمودن فعالیت‌های مخالفین نماید. بکارگیری یک دیپلماسی فعال، سازنده و تعاملی که از پشتوانه صبر

و قاطعیت برخوردار باشد و بتواند با شناسایی نقاط ضعف و قوت و حساس نظام بین‌المللی و سایر بازیگران ملی، اهداف و منافع ملی ایران را به پیش‌برد نیاز و ضروری می‌باشد. پرونده هسته‌ای ایران از ظرافت و ریز نقش‌های خاصی برخوردار است که نیازمند کارشناسان متخصص و کاردان می‌باشد. سیاسی بودن اعمال و نیت آمریکا، تاکتیک‌های سیاسی و اقدامات خاص سیاسی از سوی ایران را می‌طلبد. ایران می‌تواند با لحن ملایم اما قاطعیت و تحکم در رفتار، موانع موجود بر سر راه برنامه هسته‌ای را از میان بردارد. اعمال و نیت همه کشورها در تعقیب منافع ملی شبیه به یکدیگر است اما ابزارها و توانایی‌ها و منابع قدرت تامین آن هدف متفاوت است. دیپلماسی فعال و قوی با استفاده و بهره‌گیری از دیپلمات‌های حرفه‌ای می‌تواند روزه مذاکره را باز نماید. همچنین ایران دارای پتانسیل‌های خاصی در منطقه است که می‌تواند از آن‌ها به عنوان اهرمی در جهت رسیدن به اهداف خود استفاده نماید. سیاست‌های ایران باید به گونه‌ای باشد که از اجماع و یکدست شدن مخالفین ایران ممانعت به عمل آورد. ایران می‌بایست فضای گفتگو را با اتحادیه اروپا بیشتر نماید و به جای تاکید بر روسیه و چین، به سمت و سوی اتحادیه اروپا سوق پیدا نماید و با همراهی اتحادیه اروپا، ابتکار عمل از ایالات متحده را بگیرد. اتحادیه اروپا به عنوان یک اهرم قدرت می‌تواند برخی از سیاست‌های آمریکا را کنترل و تعدیل نماید.

منابع

- اسدی، بیژن (۱۳۸۶) تاثیر توان هسته‌ای ایران بر توازن قدرت، روابط و امنیت منطقه‌ای، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۱.
- پرکویج، جورج (۱۳۸۴) پرونده هسته‌ای ایران (۲) روندها و نظرها، مترجم: افسانه احدی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲) روابط خارجی ایران (بعد از انقلاب اسلامی) تهران: آوای نور.
- حسینی اسید واجانی، مهدی (۱۳۸۴) آمریکا و برنامه هسته‌ای ایران، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۲۰-۲۱۹.
- خلیلی، اسدا... (۱۳۸۲) روابط ایران و آمریکا، بررسی دیدگاه نخبگان آمریکایی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- خوش اندام، بهزاد (۱۳۸۶) واکنش ایران به رژیم بین‌المللی و منع اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، پژوهشنامه خلع سلاح، سال اول، شماره دوم.

ساجدی، امیر (۱۳۸۶) ایران هسته‌ای و امنیت منطقه، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، سال اول، پیش شماره چهارم.

ستوده، محمد (۱۳۸۵) انقلاب اسلامی و روابط بین‌المللی، مجموعه مقالات همایش انقلاب اسلامی، ج دوم، قم: دفتر نشر معارف.

فولر، گراهام (۱۳۷۳) قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشرمرکز.

قریب آبادی، کاظم (۱۳۸۳) آشنایی بامعاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پروتکل الحاقی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

کریگ، مایکل (۱۳۸۴) پرونده هسته‌ای ایران (۲) ترجمه بهزاد احمدی لفورکی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

http://www5.irna.ir/new/full_story?news_id=336

<http://www.pe.rian.ru/articles>

<http://www.rfi.fr/actufa/articles>

<http://www.bazyab.ir/index>

<http://www.hoqouq.com/law>

<http://www.ommid.com/fa>